

## مقایسه راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی در زنان پیمان‌شکن و عادی

مجتبی دهقان\*، جعفر حسنی\*\* و علی رسولی\*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی در زنان پیمان‌شکن و عادی بود. در قالب یک طرح علی‌مقایسه‌ای، ۸۰ زن متأهل (۴۰ نفر پیمان‌شکن و ۴۰ نفر عادی) با دامنه سنی ۲۰ - ۵۰ سال از طریق نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند و مقیاس‌های فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان و پرسشنامه چندبعدی کمال‌گرایی را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس چندمتغیری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که زنان پیمان‌شکن نسبت به زنان عادی نمره‌های بالاتری را در ابعاد کمال‌گرایی (خویش‌مدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار) و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان فاجعه‌سازی و ملامت دیگران نشان دادند، اما در راهبرد تمرکز مجدد مثبت به‌طور معنادار میانگین پایین‌تری داشتند. در سایر راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان تفاوت معناداری میان دو گروه مشاهده نشد. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت استفاده مکرر از راهبردهای ناسازگارانه نظم‌جویی شناختی هیجان و استفاده کم از راهبردهای سازگارانه نظم‌جویی شناختی هیجان می‌تواند در سوق دادن افراد کمال‌گرای افراطی به سمت پیمان‌شکنی زناشویی نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

**کلید واژه‌ها:** پیمان‌شکن، کمال‌گرایی، نظم‌جویی شناختی هیجان

\* دانشجوی دکتری، روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

\*\* دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

\*\*\* دانشجوی دکتری، روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
Ali.rasooli686810@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۰

### مقدمه

ازدواج<sup>۱</sup>، ایجاد رابطه‌ای است که در آن هر یک از دو عضو زوج می‌توانند بالاترین سطح صمیمیت را تجربه کنند. این رابطه همان‌طور که می‌تواند همراه با احساس صمیمیت و آرامش باشد، در عین حال ممکن است با شکست مواجه شده و آسیب‌هایی را نیز به همراه داشته باشد (اندرسون، ۲۰۰۵؛ به نقل از لئونیدو، آیکول، اسپروپولو و کریستودولیدز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ داش و آماتو، ۲۰۰۵؛ به نقل از ایندور، پری-پالدی، هیرشبرگر، بیرنباوم<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). بخشی از مشکلات زوج‌ها از طریق پیمان‌شکنی ایجاد می‌شود (وبستر، برنل و پیلکینگتون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی برای روابط زناشویی داشته باشد (استارات، ویکز-شاکلفورد و شاکلفورد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). پیمان‌شکنی زناشویی را می‌توان به عنوان عبور فرد از مرز رابطه زناشویی و برقراری رابطه جنسی، عاطفی یا ترکیبی از هر دو با فردی به غیر از همسر تعریف کرد (دریگوتاس و بارتا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). بلو و هارتنت<sup>۷</sup> (۲۰۰۵a) اعلام کردند که بر اساس گزارش‌های به دست آمده از پژوهش‌ها، ۹۰ درصد طلاق‌ها به نوعی با پیمان‌شکنی مرتبط بوده است. پیمان‌شکنی بین ۲۵ - ۵۰ درصد موارد، اولین علت طلاق در زوج‌ها گزارش شده است (مارک، جانسن و میل‌هاوزن<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱). به طور کلی حدود ۲۲ - ۲۵ درصد مردان و ۱۱ - ۱۵ درصد زنان اعلام کرده‌اند که در طی زندگی مشترک خود درگیر روابط جنسی فرازناشویی شده‌اند (آلن، اتکینز، باکوم، اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از ایندور، پری-پالدی، هیرشبرگر، بیرنباوم و همکاران، ۲۰۱۵؛ ویزر و ویزگل<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵)، این در حالی است که در زمینه برقراری روابط هیجانی فرازناشویی این میزان تا ۷۰ درصد نیز افزایش می‌یابد (بلو و هارتنت، ۲۰۰۵b).

پیمان‌شکنی می‌تواند توسط محرک‌های مختلفی انجام شود که به‌منظور به دست آوردن

- 
1. marriage
  2. leonidou, Aykol, Spyropoulou and Christodoulides
  3. Ein-dor, Perry-paldi, Hirschberger and Birnbaum
  4. Webster, Brunell and Pilkington
  5. Starratt, Weekes-Shackelford and Shackelford
  6. Drigotas and Barta
  7. Blow and Hartnett
  8. Mark, Janssen and Milhausen
  9. Weiser and Weigel

حالت‌های خلقی و هیجانی مثبت فعال می‌شوند (برینگل و بونک، ۱۹۹۱؛ به نقل از تورلیوک و اسکوتارو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). در همین راستا نتایج نشان می‌دهد که حالت‌های خلقی و هیجانی مثبت و منفی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده گرایش بیشتر مردان به پیمان‌شکنی باشد (مارک و همکاران، ۲۰۱۱). نقش عوامل خلقی و هیجانی در پیش‌بینی پیمان‌شکنی می‌تواند به این صورت تبیین شود که تجارب هیجانی بر فرایندهای پردازش اطلاعات در فرد تأثیر گذاشته و از این طریق بر چگونگی ادراک و تفسیر آن‌ها از رفتارهای دیگران و روابط بین‌فردی تأثیر می‌گذارد (فورگاس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین، از این مطلب می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نظم‌جویی هیجان‌ها می‌تواند نقش کلیدی در جلوگیری از مواردی مانند پیمان‌شکنی در بین زوجها داشته باشد.

نظم‌جویی هیجان اشاره به فرایندهایی دارد که طی آن افراد سعی می‌کنند فرایندهای مربوط به تولید هیجان‌های خود را اصلاح کنند که به طور معمول با هدف کاهش شدت تجارب هیجانی همراه است (گروس و جزائیری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). به عبارتی دیگر نظم‌جویی هیجان می‌تواند به عنوان روشی تعریف شود که افراد از طریق آن هیجان‌های خود را تجربه، کنترل و ابراز می‌کنند (آیزنبرگ، موریس و اسپینارد، ۲۰۰۵؛ به نقل از گانگ و پائولسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷؛ فرانس و هولنشتاین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). راهبردهای متعددی برای نظم‌جویی هیجانی وجود دارد که متداول‌ترین راهبرد برای مدیریت و نظم‌جویی تجارب هیجانی و اطلاعات برانگیزاننده هیجان، استفاده از فرایندهای شناختی است (مشهدی، میردورقی و حسنی، ۱۳۹۰). نظم‌جویی شناختی هیجان به شیوه شناختی مدیریت و دستکاری ورود اطلاعات فراخواننده هیجان اشاره دارد (اوکسنر و گروس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان را می‌توان به دو دسته سازگار (شامل پذیرش<sup>۷</sup>، تمرکز مجدد مثبت<sup>۸</sup>، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی<sup>۹</sup>، ارزیابی مجدد مثبت<sup>۱۰</sup> و

- 
1. Turluc and Scutaru
  2. Forgas
  3. Gross and Jazaeiri
  4. Gong and Paulson
  5. France and Hollenstein
  6. Ochsner and Gross
  7. Acceptance
  8. Positive Refocusing
  9. Refocus on Planning
  10. Positive Reappraisal

دیدگاه‌گیری<sup>۱</sup> و ناسازگار (شامل ملامت خویش<sup>۲</sup>، نشخوارگری<sup>۳</sup>، فاجعه‌سازی<sup>۴</sup> و ملامت دیگران<sup>۵</sup>) تقسیم کرد (حسینی، تاج‌الدینی، قائدنیای جهرمی و فرمانی شهرضا، ۱۳۹۳). نظم‌جویی هیجان در زمینه روابط زناشویی و کیفیت این روابط می‌تواند نقشی کلیدی داشته باشد (کرینگ و ورنر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). تحقیق‌ها نشان می‌دهند که دشواری در نظم‌جویی هیجان در بین زوجها می‌تواند باعث کاهش صمیمیت و رضایت زناشویی شود (میرگین و کوردووا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷) که این امر به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز گرایش زوجها به روابط خارج از ازدواج باشد (براون، سانچز، ناک و رایت<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶). به طور کلی می‌توان گفت راهبردهای نظم‌جویی هیجان هم به صورت مستقیم (پیامدهای بین فردی) و هم به صورت غیرمستقیم (پیامدهای شناختی برای افراد) می‌تواند بر نوع رفتار با شریک زندگی، گسترش روابط، سطح صمیمیت و عملکرد بین‌فردی تأثیر بگذارد و از این طریق بر احتمال گرایش زوجها به پیمان‌شکنی تأثیرگذار باشد (آمیدون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷).

افراد کمال‌گرا از میان راهبردهای مختلف نظم‌جویی هیجان به طور معمول از راهبردهای ناسازگارانه استفاده می‌کنند. برای مثال، رادولف، فلت و هویت<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷) رابطه بین نقص در راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی را بررسی کردند و نشان دادند که کمال‌گرایی جامعه‌مدار<sup>۱۱</sup> با راهبردهای ملامت خود، فاجعه‌سازی و نشخوار ذهنی رابطه مثبت و با ارزیابی مجدد مثبت و دیدگاه‌گیری رابطه منفی دارد. کمال‌گرایی یک سازه چند بعدی است که به عنوان یک ویژگی شخصیتی در نظر گرفته می‌شود (گلوچکوف، الوواینیو، هیتسانن، مولولا<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). هویت و فلت (۱۹۹۱)؛ به نقل از استوبر و هاتام<sup>۱۳</sup>،

- 
1. Putting into Perspective
  2. Self-Blame
  3. Rumination
  4. Catastrophizing
  5. Other-Blame
  6. Krings and Werner
  7. Mirgain and Córdova
  8. Brown, Sanchez, Nock and Wright
  9. Amidon
  10. Rudolph, Flett, and Hewitt
  11. Socially Prescribed Perfectionism
  12. Gluschkoff, Elovainio, Hintsanen and Mullola
  13. Stoeber and Hotham

۲۰۱۶؛ سپهریان، ۱۳۹۰؛ هاشمی و لطیفیان، ۱۳۸۸) سه بعد متمایز از کمال‌گرایی را با عنوان‌های کمال‌گرایی خودمحور<sup>۱</sup>، کماگرایی دگرمحور<sup>۲</sup> و کمال‌گرایی جامعه‌محور شناسایی کردند. کمال‌گرایی خودمحور نشان‌دهنده شرایطی است که طی آن فرد برای خود اهداف و انتظاراتی سطح بالایی را در نظر می‌گیرد و برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند. در مقابل، فردی با مشخصه کمال‌گرایی دگرمحور، فردی است که از دیگران انتظاراتی بسیار سطح بالا دارد و انتظار دارد که دیگران باید کارهای خود را طبق استانداردهایی انجام دهند که مدنظر این افراد است. کمال‌گرایی دگرمحور شامل ارزیابی کردن پیوسته دیگران است. کمال‌گرایی جامعه‌محور نیز به این موضوع اشاره دارد که فرد معتقد است که دیگران از وی انتظاراتی اغراق‌آمیز دارند و فرد نسبت به این انتظارات و اهداف تعیین‌شده، حساسیت بالایی را نشان می‌دهد و خود را ملزم به تلاش برای رسیدن به این اهداف می‌داند تا از مخالفت دیگران دوری کرده و تأیید آن‌ها را جلب کند (هویت و فلت، ۱۹۹۱؛ به نقل از استوبر و هاتام، ۲۰۱۶؛ علی‌زاده، خسروی و بشارت، ۱۳۸۹). بنابراین، می‌توان گفت کمال‌گرایی دارای ابعاد فردی و بین فردی است و می‌تواند بر روابط افراد از جمله روابط زناشویی آن‌ها تأثیرگذار باشد (هویت و فلت، ۱۹۹۱؛ به نقل از ماسدو، مارکوییز، کوارسما، سوارز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). در این زمینه استوبر (۲۰۱۲) نشان داد که در روابط دوطرفه زمانی که افراد احساس کنند طرف مقابلشان از آن‌ها انتظاراتی غیرواقع‌بینانه و کمال‌گرا دارد، رضایت آن‌ها از رابطه کاهش می‌یابد. این در حالی است که زمانی که افراد در روابط خود کمال‌گرای دگرمحور باشند و از طرف مقابل خود در رابطه انتظاراتی غیرواقع‌بینانه و اغراق‌آمیز داشته باشند، نه تنها رضایت از رابطه کاهش می‌یابد، بلکه تعهد آن‌ها برای ماندگاری در رابطه نیز کاهش خواهد یافت. به عبارتی دیگر می‌توان گفت کمال‌گرایی می‌تواند به نوعی دل‌زدگی و فرسودگی در روابط زناشویی منجر شود. زیرا همان‌طور که لینگرن (۲۰۰۳؛ به نقل از یوسفی و باقریان، ۱۳۹۰) نیز مطرح کرد، زمانی که در یک رابطه زناشویی بین میزان توقع فرد و آنچه که در واقعیت وجود دارد تفاوت وجود داشته باشد، به تدریج صمیمیت و عشق کاهش می‌یابد و این امر می‌تواند

- 
1. self-oriented perfectionism
  2. other-oriented perfectionism
  3. Macedo, Marques, Quaresma and Soares

زمینه‌ساز گرایش افراد به سمت روابط فرازناتشویی باشد.

در مجموع مطالعه حاضر با توجه به روند رو به افزایش میزان پیمان‌شکنی زوجها که در بین مردان ۲۰ درصد تا ۲۵ درصد و در بین زنان ۱۰ درصد تا ۱۵ درصد اعلام شده است (مارک و همکاران، ۲۰۱۱) و همچنین با توجه به پیامدهای منفی حاصل از آن، اهمیت تلاش برای فهم فرایندهای درگیر در این پدیده را افزون می‌کند. در یک نگاه کلی می‌توان اذعان کرد که پیمان‌شکنی زوجها با مشکلات اساسی در فرایندهای نظم‌جویی هیجانی و وجود سطوح بالایی از کمال‌گرایی در آنها مرتبط است. در واقع استفاده زوجها از راهبردهای ناکارآمد نظم‌جویی شناختی هیجان و همچنین کمال‌گرایی افراطی آنها می‌تواند زمینه‌ساز نارضایتی زناشویی و کاهش صمیمیت بین آنها شده و در نهایت به گرایش زوجها به برقراری روابط فرازناتشویی منجر شود. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی در زنان پیمان‌شکن و عادی بود. در این زمینه پژوهش حاضر بر دو فرض اساسی قرار داشت. فرضیه اول مبنی بر این بود که افراد پیمان‌شکن نسبت به افراد عادی سطوح بالاتری از کمال‌گرایی را نشان می‌دهند و فرضیه دوم نیز بر این اساس بود که افراد پیمان‌شکن بیشتر از افراد عادی از راهبردهای ناسازگار نظم‌جویی شناختی هیجان استفاده می‌کنند. پژوهش حاضر همچنین با این سؤال مواجه بود که تفاوت زنان پیمان‌شکن و عادی از نظر راهبردهای سازگار نظم‌جویی شناختی هیجان چگونه است؟

## روش

طرح پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمام زنان متأهل شهر مازندران بود. در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار NCSS<sup>۱</sup> با توجه به علی-مقایسه‌ای بودن پژوهش برای هر گروه ۴۰ نفر برآورد شد (نگاه کنید به داتالو، ۲۰۰۹) که در این بین ۴۰ زن که روابط فرازناتشویی نداشتند و ۴۰ زن پیمان‌شکن انتخاب و از لحاظ سن و تحصیلات هم‌تاسازی شدند. زنان پیمان‌شکن در این پژوهش زنانی بودند که در روابط خارج از ازدواج قرار گرفته بودند و به همسر خود خیانت جنسی یا عاطفی

- 
1. Number Cruncher Statistical Systems
  2. Dattalo

کرده بودند. ملاک‌های ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از داشتن سن ۲۰-۵۰ سال، عدم ابتلا به هرگونه اختلال جسمانی و داشتن مدرک تحصیلی دیپلم تا کارشناسی.

برای اجرای پژوهش حاضر بعد از تعیین شدن موضوع و الگوی پژوهش و تهیه ابزارهای مورد نیاز، به مراکز مشاوره و دفاتر وکالت موجود در سطح شهر مازندران مراجعه شد و بعد از توضیح دادن هدف پژوهش حاضر برای مسئولان مراکز و دفاتر وکالت از آن‌ها برای اجرای این پژوهش درخواست همکاری شد. بعد از جلب نظر مسئولان این مراکز و دفاتر از زنان متأهلی که به جهت مشکلات زناشویی و پیمان‌شکنی به این مراکز و دفاتر مراجعه کرده بودند، برای حضور در پژوهش حاضر درخواست همکاری شد و بعد از اطمینان دادن به شرکت‌کنندگان درباره محرمانه ماندن اطلاعات آن‌ها، پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع شد. سپس داده‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل شد. به منظور بررسی داده‌های آماری پژوهش در بخش آمار توصیفی، از میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری<sup>۱</sup> (MANOVA) استفاده شد. شایان ذکر است که قبل از تحلیل استنباطی، آزمون‌های پیش‌فرض ام‌باکس، لوین و شاخص اعتباری لامبدای ویلکز بررسی شد. تمامی تحلیل‌های این مطالعه با استفاده از برنامه SPSS<sup>۲</sup> نسخه ۲۲ انجام شد.

در این پژوهش از مقیاس‌های زیر استفاده شد:

**فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان<sup>۳</sup> (CERQ – P- Short):** فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان که حسنی (۱۳۹۰) تهیه کرد، ۱۸ ماده دارد. این فرم کوتاه پرسشنامه در مقایسه با فرم بلند فارسی آن از نظر ساختار عاملی و روایی هم‌زمان مطلوب‌تر است. نتایج آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۲ نشان داد که ۹ خرده‌مقیاس فرم کوتاه نسخه فارسی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان (ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران) دارای اعتبار مطلوبی است. تحلیل مؤلفه اصلی ضمن تبیین ۷۵ درصد واریانس، از الگوی ۹ عاملی اصلی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان حمایت می‌کند.

- 
1. Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)
  2. Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)
  3. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire-Short (CERQ – P- Short)

همچنین، همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها بالا بود. در نهایت الگوی همبستگی خرده‌مقیاس‌های فرم کوتاه نسخه فارسی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان با علائم افسردگی ( $P < 0/001$ ) بیان‌کننده روایی ملاکی مقیاس بود (حسنی، ۱۳۹۰).

**پرسشنامه چندبعدی کمال‌گرایی:** مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی،<sup>۱</sup> (MPS) پرسشنامه‌ای است که در سال ۱۹۹۱، هویت و فلت<sup>۲</sup> آن را ساخته‌اند و در ایران بشارت روی نمونه ایرانی هنجاریابی و اعتباریابی کرده است (بشارت، ۱۳۸۴). این مقیاس یک آزمون ۳۰ سؤالی است. سؤال‌های مربوط به مؤلفه کمال‌گرایی خویش‌مدار شامل سؤال‌های ۱-۱۰، کمال‌گرایی دیگرمدار شامل سؤال‌های ۱۰-۲۰ و کمال‌گرایی جامعه‌مدار شامل سؤال‌های ۲۰-۳۰ است. طیف لیکرت این مقیاس به صورت کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱) است. در اعتباریابی مقدماتی فرم ایرانی این مقیاس روی یک نمونه ۱۸۰ نفری از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران، آلفای کرونباخ به دست آمده برای کمال‌گرایی خویش‌مدار ۰/۹۰، برای کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۸۳، و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۷۸ بود، که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای مقیاس است. ضرایب همبستگی ۴۰ نفر از دانشجویان با استفاده از روش بازآزمایی فاصله‌ای چهار هفته‌ای برای کمال‌گرایی خویش‌مدار ۰/۸۴، و برای کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۸۲ و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۸۰ بود. در پژوهش بشارت (۱۳۸۴) ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه ابعاد کمال‌گرایی برابر ۰/۸۹ بود.

### یافته‌ها

داده‌های این پژوهش در بخش توصیفی به وسیله میانگین و انحراف استاندارد، و در بخش استنباطی به وسیله تحلیل واریانس چندمتغیری تحلیل شد که نتایج آن در زیر گزارش شده است.

- 
1. Multidimensional Perfectionism Scale
  2. Hewitt and Flett



جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی در دو گروه

پیمان‌شکن		عادی		مؤلفه‌های متغیرها	متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۲/۰۰	۴/۶	۱/۵۷	۴/۷	ملامت خویش	نظم‌جویی شناختی هیجان
۲/۶	۵/۶۰	۱/۸۸	۴/۶۳	پذیرش	
۲/۲۸	۶/۳۶	۱/۹۲	۶/۱۳	نشخوارفکری	
۲/۰۶	۵/۰۶	۱/۸۷	۶/۵۰	تمرکز مجدد مثبت	
۲/۲۳	۶/۲۰	۲/۰۹	۶/۷۶	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	
۲/۴۰	۶/۲۶	۲/۱۱	۶/۷۳	ارزیابی مجدد مثبت	
۱/۹۲	۵/۶	۲/۰۵	۶/۰۰	دیدگاه‌گیری	
۲/۴۲	۵/۹۰	۱/۸۳	۴/۷۳	فاجعه‌سازی	
۲/۰۳	۵/۱۶	۱/۳۵	۴/۰۳	ملامت دیگران	
۶/۳۴	۳۲/۱۰	۴/۲۶	۲۸/۶۳	کمال‌گرایی خویش‌تن مدار	
۵/۲۳	۳۲/۹۰	۵/۷۰	۲۸/۵۳	کمال‌گرایی دیگرمدار	
۷/۱۲	۳۴/۷۳	۵/۶۳	۲۹/۳۳	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	
۱۵/۲۱	۹۹/۷۳	۱۲/۷۱	۸۶/۵۰	کمال‌گرایی کلی	

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری برای رعایت فرض‌های آن، از آزمون‌های ام‌باکس و لوین استفاده شد. بر اساس آزمون ام‌باکس ( $F = 1/261, p = 0/113$ ) که برای هیچ یک از متغیرها معنادار نبود، شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کواریانس به درستی رعایت شده است. نتایج آزمون لوین نیز در جدول زیر ارائه شده است و بر اساس آن انجام تحلیل واریانس چندمتغیری مجاز است (میرز و همکاران، ۲۰۰۶؛ ترجمه شریفی و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول ۲: آزمون لوین در مورد پیش‌فرض برابری واریانس‌های متغیرهای راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی در دو گروه

متغیر	مؤلفه‌های متغیرها	F	df 1	df 2	Sig
نظم‌جویی شناختی هیجان کمال‌گرایی	ملاطت خویش	۰/۳۸۷	۱	۷۸	۰/۵۳۶
	پذیرش	۶/۶۰	۱	۷۸	۰/۰۷۳
	نشخوارفکری	۱/۲۴	۱	۷۸	۰/۲۶۹
	تمرکز مجدد مثبت	۰/۰۹۸	۱	۷۸	۰/۷۵۶
	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۰/۳۷	۱	۷۸	۰/۵۴۵
	ارزیابی مجدد مثبت	۰/۲۶۱	۱	۷۸	۰/۶۱۲
	دیدگاه‌گیری	۰/۰۰۲	۱	۷۸	۰/۹۶۴
	فاجعه‌سازی	۲/۹۳	۱	۷۸	۰/۰۹۲
	ملاطت دیگران	۴/۵۰	۱	۷۸	۰/۰۳۸
	کمال‌گرایی خویشان مدار	۸/۱۹	۱	۷۸	۰/۰۶۶
	کمال‌گرایی دیگرمدار	۰/۲۴۲	۱	۷۸	۰/۶۲۴
	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	۲/۰۵	۱	۷۸	۰/۱۵۷
	کمال‌گرایی کلی	۲/۵۶	۱	۷۸	۰/۱۱۵

هم‌چنین به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) دوگروهی، معناداری ضریب لامبدای ویلکز بررسی شد. نتایج نشان داد که با معنادار شدن ضریب لامبدای ویلکز ( $P < ۰/۰۵$ ،  $F = ۲/۰۸۷$ ،  $F = ۰/۶۵۳$ ، لامبدای ویلکز)، استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری مجاز است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، زنان پیمان‌شکن نسبت به زنان عادی از نظر کمال‌گرایی (خویشان‌مدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار) و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان فاجعه‌سازی و ملاطت دیگران به‌طور معنادار میانگین بالاتری را نشان دادند. همچنین زنان پیمان‌شکن نسبت به زنان عادی از نظر راهبرد نظم‌جویی شناختی هیجان تمرکز مجدد مثبت به‌طور معنادار میانگین پایین‌تری را داشتند، اما در سایر راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان تفاوت معناداری میان دوگروه مشاهده نشد.

جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) در راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و کمال‌گرایی در دو گروه

Sig	F	MS	df	SS	مؤلفه‌های متغیرها	متغیر
۰/۹۴۳	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	ملامت خویش	
۰/۱۰۹	۲/۶۵	۱۴/۰۱	۱	۱۴/۰۱	پذیرش	
۰/۶۷	۰/۱۸۳	۰/۸۱۷	۱	۰/۸۱۷	نشخوارفکری	
۰/۰۰۷	۷/۹۳	۳۰/۸۱۷	۱	۳۰/۸۱۷	تمرکز مجدد مثبت	نظم‌جویی
۰/۳۱۵	۱/۰۲۶	۴/۸۱	۱	۴/۸۱	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	شناختی
۰/۴۲۸	۰/۶۳۶	۳/۲۶۷	۱	۳/۲۶۷	ارزیابی مجدد مثبت	هیجان
۰/۴۳۹	۰/۶۰۷	۲/۴۰۰	۱	۲/۴۰۰	دیدگاه‌گیری	
۰/۰۴۰	۴/۴۰۹	۲۰/۴۱	۱	۲۰/۴۱	فاجعه‌سازی	
۰/۰۱۴	۶/۴۵۴	۱۹/۲۶	۱	۱۹/۲۶	ملامت دیگران	
۰/۰۱۶	۶/۱۶۶	۱۸۰/۲۶	۱	۱۸۰/۲۶	کمال‌گرایی خوشتن مدار	
۰/۰۰۳	۹/۵۳۳	۲۸۶/۰۱	۱	۲۸۶/۰۱	کمال‌گرایی دیگرمدار	کمال‌گرایی
۰/۰۰۲	۱۰/۶۰۳	۴۳۷/۴۰	۱	۴۳۷/۴۰	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	
۰/۰۰۱	۱۳/۳۶	۲۶۲۶/۸۱	۱	۲۶۲۶/۸۱	کمال‌گرایی کلی	

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر بین زنان پیمان‌شکن و عادی از نظر راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان تمرکز مجدد مثبت، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران تفاوت معناداری وجود داشت. این یافته با برخی تحقیقات پیشین (برینگل و بونک، ۱۹۹۱؛ به نقل از توریوک و اسکوتارو، ۲۰۱۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که از راهبردهای ناسازگار مانند فاجعه‌آمیز کردن یک رویداد یا مسأله استفاده می‌کنند، گرایش زیادی به بزرگ و پراهمیت جلوه دادن مسائل یا رویدادهای منفی خواهند داشت. از طرفی با توجه به این موضوع که هیچ رابطه‌ای خالی از رویداد منفی و مسائل مختلف نخواهد بود. بنابراین، می‌توان این‌گونه تصور کرد که فاجعه‌آمیز کردن پیاپی اتفاق‌های منفی در روابط زناشویی، به جای تمرکز و پیدا کردن راه حل مناسب، می‌تواند نگرش دو طرف را نسبت به رابطه زناشویی منفی کرده و زمینه‌ساز کاهش علاقه و صمیمیت زوجها در رابطه باشد. این امر می‌تواند مقدمه‌ای برای گرایش افراد به روابط فرازناشویی باشد. از سویی دیگر می‌توان گفت افرادی که از

راهبردهای ناسازگارانه نظم‌جویی هیجان استفاده می‌کنند، ممکن است حالت‌های روان‌شناختی ناخوشایند مانند اضطراب و استرس را تجربه کنند و به همین دلیل به منظور کاهش اضطراب خود و همچنین به منظور اجتناب از کاهش عزت‌نفس خود، دیگران را مسئول اتفاق‌های پیش‌آمده و هیجان‌های تجربه شده بدانند و دیگران سرزنش و ملامت کنند. مقصر دانستن پیاپی همسر به خاطر رویدادهای منفی مختلف می‌تواند باعث کاهش صمیمیت در بین زوجها شده و در نتیجه به صورت پریشانی در روابط زناشویی و کاهش رضایت زناشویی نمایان شود که این نارضایتی از روابط زناشویی و به تبع آن کناره‌گیری زوجها از یکدیگر می‌تواند مقدمه ورود افراد به روابط فرازناشویی باشد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که افراد پیمان‌شکن نسبت به افراد عادی به طور معناداری از راهبرد تمرکز مجدد مثبت در مواجهه با رویدادهای منفی مختلف، کم‌تر استفاده می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجایی که نظم‌جویی شناختی هیجان با استفاده از راهبرد تمرکز مجدد مثبت به افکاری اشاره دارد که طی آن فرد به جای فکر کردن به رویدادهای منفی کنونی، به موضوع‌های شاد و لذت‌بخش فکر می‌کند (بهرامی، بهرامی، مشهدی و کارشکی، ۱۳۹۴)، بنابراین، افرادی که نتوانند از این راهبرد در موقعیت‌های مختلف از جمله روابط زناشویی به خوبی استفاده کنند، همواره درگیر رویداد منفی رخ داده خواهند بود و به نظر می‌رسد که دچار نوعی نشخوار فکری در مورد آن رویداد خواهند شد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت مشکلات به وجود آمده برای این افراد در روابط زناشویی به این علت که این دسته از افراد توان تغییر توجه و تمرکز خود از رویدادهای منفی به رویدادهای مثبت را ندارند، بسیار مخرب‌تر خواهد بود و هر مسأله‌ای می‌تواند آن‌ها را برای مدت طولانی آزرده کند و به تبع آن رضایت آن‌ها را از روابط زناشویی کاهش داده و آن‌ها را به سمت جدایی یا برقراری روابط فرازناشویی سوق دهد.

در پژوهش حاضر همچنین مشخص شد افراد پیمان‌شکن نسبت به افراد عادی سطوح بالاتری از کمال‌گرایی (کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور) را نشان دادند. این یافته از نظر همبسته بودن کمال‌گرایی با کاهش تعهد در روابط زناشویی، با نتایج تحقیق استوبر (۲۰۱۲) و همچنین از نظر سوق پیدا کردن روابط زناشویی به سمت فروپاشی به علت عدم تناسب بین انتظارات فرد با آنچه که در واقعیت وجود دارد با

نتایج تحقیق لینگرن (۲۰۰۳؛ به نقل از یوسفی و باقریان، ۱۳۹۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت زمانی که یک فرد کمال‌گرا وارد رابطه زناشویی می‌شود، انتظارات زیادی را با خود به همراه دارد، به گونه‌ای که این فرد تصور می‌کند رابطه زناشویی یک رابطه کامل و بدون هرگونه نقص و مشکل است که باید انسان را به کمال برساند و پاسخ‌گوی تمام نیازهای فرد باشد. این در حالی است که روابط زناشویی مانند هرگونه رابطه دیگر ممکن است همراه با مسائل و مشکلاتی باشد که نیازمند همکاری زوج‌ها برای حل و فصل آن‌ها است. در واقع افراد کمال‌گرا زمانی که وارد یک رابطه زناشویی می‌شوند و با مسائل و مشکلات مختلف مواجه می‌شوند، ممکن است این باور در آن‌ها ایجاد شود که این رابطه برای آن‌ها یک رابطه در خور و شایسته نیست و در نتیجه ممکن است در پی رابطه‌ای دیگر طبق معیارهای کمال‌گرایانه خود در خارج از روابط زناشویی باشند.

در اشاره به محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت با توجه به اینکه تمام شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر زن بودند، نتایج پژوهش حاضر قابلیت تعمیم به کل جامعه را ندارد و به همین دلیل به محققان بعدی توصیه می‌شود به منظور ایجاد امکان بررسی عامل جنس در زمینه پیمان‌شکنی، شرکت‌کنندگانی از هر دو جنس مرد و زن وارد طرح تحقیق شوند. همچنین به علت استفاده از نمونه‌گیری در دسترس در پژوهش حاضر بهتر است در تعمیم نتایج با احتیاط عمل شود. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان به مشاوران، روان‌شناسان و درمانگران پیشنهاد کرد در زمینه ارائه مشاوره‌های پیش از ازدواج به اصلاح و تعدیل باورها و انتظارات کمال‌گرایانه زوج‌ها به منظور کاهش احتمال ایجاد زمینه‌های برقراری روابط فرزان‌شویی اقدام کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود به منظور بهبود نحوه واکنش به رویدادهای مختلف زندگی زناشویی و جلوگیری از بروز آسیب‌هایی مانند پیمان‌شکنی، زوج‌ها آموزش‌هایی در زمینه استفاده از راهبردهای سازگارانه نظم‌جویی شناختی هیجان دریافت کنند.

## تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمام شرکت‌کنندگان و مسئولان محترم مراکز مشاوره و دفاتر وکالت شهر مازندران که همکاری‌های لازم را برای انجام این پژوهش داشتند، تشکر و قدردانی کنند.

## منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). تحلیل اکتشافی رابطه کمال‌گرایی و شخصیت، مجله علمی پژوهش مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۶(۱): ۸۱-۹۶.
- بهرامی، بتول، بهرامی، عبدالله، مشهدی، علی و کارشکی، حسین (۱۳۹۴). نقش راهکارهای کنترل شناختی هیجان در کیفیت زندگی بیماران سرطانی، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۵۸(۲): ۱۰۵-۹۶.
- حسینی، جعفر، تاج‌الدینی، امراه، قانندیای جهرمی، علی و فرمانی شهرضا، شیوا (۱۳۹۳). مقایسه راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و طرحواره‌های هیجانی در همسران افراد مبتلا به سوء مصرف مواد و افراد بهنجار، مجله روانشناسی بالینی، ۶(۱): ۱۰۱ - ۹۱.
- حسینی، جعفر (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان، تحقیقات علوم رفتاری، ۹(۴): ۲۴۰-۲۲۹.
- سپهریان، فیروزه (۱۳۹۰). اهمال‌کاری تحصیلی و عوامل پیش‌بینی کننده آن، مطالعات روان‌شناختی، ۷(۴): ۲۶-۹.
- علی‌زاده، ام‌هانی، خسروی، زهره و بشارت، محمد علی (۱۳۸۹). رابطه باورهای غیرمنطقی با کمال‌گرایی مثبت و منفی در دانش‌آموزان شهرستان نوشهر، مطالعات روانشناختی، ۶(۱): ۹-۴۲.
- مشهدی، علی، میردورقی، فاطمه و حسینی، جعفر (۱۳۹۰). نقش راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان در اختلال‌های درونی سازی کودکان، مجله روان‌شناسی بالینی، ۳(۳): ۳۹-۲۹.
- هاشمی، لادن و لطفیان، مرتضی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و جهت‌گزینی هدف در میان دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی دولتی (با گرایش‌های علوم تجربی و ریاضی)، مطالعات روانشناختی، ۵(۳): ۲۶-۹.
- یوسفی، ناصر و باقریان، مهنوش (۱۳۹۰). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به عنوان متغیرهای پیشین زوجین متقاضی طلاق و مایل به ادامه زندگی مشترک، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۳): ۳۰۱-۲۴۸.
- Alizadeh, O., khosravi, Z. and Besharat, M.A. (2010). The relation of irrational beliefs with positive and negative perfectionism among students in nowshahr, *Journal of psychological studies*, 6(1): 9-42 (Text in persian).
- Amidon, A.D. (2007). *Intimate relationships: adult attachment, emotion regulation, gender roles, and infidelity*, [Doctoral Dissertation], Faculty of the graduate

school of the university of Texas at Austin.

- Bahrami, B., Bahrami, A., Mashhadi, A. and Kareshki, H. (2015). The role of cognitive emotion-regulation strategies in the quality of life of cancer patients, *Medical journal of mashad university of medical sciences*, 58(2): 96-105 (Text in persian).
- Besharat, M. (2006). Exploratory analysis of relationship between perfectionism and character, *Studies in education and psychology*, 6(1): 81-96 (Text in persian).
- Blow, A.J. and Hartnett, K. (2005a). Infidelity in committed relationships I: a methodological review, *Journal of marital and family therapy*, 31 (2), 183-216.
- Blow, A.J. and Hartnett, K. (2005b). Infidelity in committed relationships II: A substantive review, *Journal of marital and family therapy*, 31(2), 217-233.
- Brown, S.L., Sanchez, L.A., Nock, S.L. and Wright, J.D. (2006). Link between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability and divorce: a comparison of covenant versus standard marriages, *Social science research*, 35(2), 454-470
- Drigotas, S.M. and Barta, W. (2001). The cheating heart: scientific explorations of infidelity, *current directions in psychological science*, 10 (5): 177-180.
- Ein-Dor, T., Perry-Paldi, A., Hirschberger, G., Birnbaum, G.E. and Deutsch, D. (2015). Coping with mate poaching: gender differences in detection of infidelity-related threats, *Evolution and human behavior*, 36(1): 17-24.
- Forgas, J.P. (2010). Affective influences on self-disclosure: mood effects on the intimacy and reciprocity of disclosing personal information, *Journal of personality and social psychology*, 100(3): 449- 461.
- France, K.D. and Hollenstein, T. (2017). Assessing emotion regulation repertoires: the regulation of emotion systems survey, *Personality and individual differences*, 119(1): 204-215.
- Garnefski, N. Kraaij, V. and Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotion problems, *Personality and individual differences*, 30(8): 1311-1327.
- Gluschkoff, K., Elovainio, M., Hintsanen, M., Mullola, S., Pulkki-Råback, L., Keltikangas-Järvinen, L. and Hintsala, T. (2017). Perfectionism and depressive symptoms: The effects of psychological detachment from work, *Personality and individual differences*, 116(Oct.5): 186-190.
- Gong, X. and Paulson, SH. E. (2017). Effect of family affective environment on individuals' emotion regulation, *Personality and individual differences*, 117(3): 144-149.
- Gross, J.J. and Jazaيري, H. (2014). Emotion, emotion regulation, and psychopathology: an affective science perspective, *Clinical psychological science*, 2 (4): 387-401.
- Hasani, J. (2011). The reliability and validity of the short form of the cognitive

- emotion regulation questionnaire, *Journal of research in behavioural sciences*, 9(4):229-240 (Text in persian).
- Hasani, J., Tajodini, E., Ghaedniyaie-Jahromi, A. and Farmani-Shahreza, SH. (2014). The assessments of cognitive emotion regulation strategies and emotional schemas in spouses of people with substance abuse and spouses of normal people, *Journal of clinical psychology*, 6(1): 91-101 (Text in persian).
- Hashemi, L. and Lotfian, M. (2009). The study of the relationship between perfectionism and goal orientation among pre-university students (With The branch of experimental and mathematical sciences), *Journal of psychological studies*, 5(3): 9-26 (Text in persian).
- Kring, A.M. and Werner, K.H. (2004). Emotion regulation and psychopathology, *Journal of family communication*, 3(1): 48-62.
- Leonidou, L.C., Aykol, B., Spyropoulou, S. and Christodoulides. P. (2017). The power roots and drivers of infidelity in international business relationships. *Industrial Marketing Management. In press.* doi.org/10.1016/j.indmarman.03.003.
- Macedo, A., Marques, C., Quaresma, V., Soares, M.J., Amaral, A.P., Araújo, A.I. and Pereira, A.T. (2017). Are perfectionism cognitions and cognitive emotion regulation strategies mediators between perfectionism and psychological distress? *Personality and Individual Differences*, 119(Dec.1): 46-51.
- Mark, K.P., Janssen, E. and Milhausen, R.R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extra dyadic sex, *Archives of sexual behavior*, 40(5), 971-982.
- Mashhadi, A., Mirdoroghi, F. and Hasani, J. (2011). The role of cognitive emotion regulation strategies in internalizing disorders of children, *Journal of clinical psychology*, 3(3): 29-39 (Text in persian).
- Mirgain, S. and Córdova, J.V. (2007). Emotion skills and marital health: the association between observed and self-reported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction, *Journal of social and clinical psychology*, 26(9), 983-1009.
- Ochsner, K.N. and Gross, J.J. (2005). The cognitive control of emotion, *trends in cognitive sciences*, 9(5): 242-249.
- Rudolph, S.G., Flett, G.L. and Hewitt, P.L. (2007). Perfectionism and deficits in cognitive emotion regulation, *Journal of rational-emotive and cognitive-behavior therapy*, 25(4): 343-357.
- Sepehrian, F. (2012). Academic procrastination and its predictive factors, *Journal of psychological studies*, 7(4): 9-26 (Text in persian).
- Stoeber, J. and Hotham, S. (2016). Perfectionism and attitudes toward cognitive enhancers ("smart drugs"), *Personality and individual differences*, 88(Jan.1): 170-174.
- Stoeber, J. (2012). Dyadic perfectionism in romantic relationships: predicting



relationship satisfaction and long term commitment, *Personality And Individual Differences*, 53(3): 300–305

Turliuc, M.N. and Scutaru, E.L. (2014). Construction and validation of emotional responses to sexual infidelity scale – ersis, *Social and behavioral sciences*, 159(Dec.23): 473 – 479.

Webster, G.D., Brunell, A.B. and Pilkington, C.J. (2009). Individual differences in men's and women's warmth and disclosure differentially moderate couples' reciprocity in conversational disclosure, *Personality and individual differences*, 46(3): 292-297.

Yousefi, N. and Bagheryan, M. (2011). The investigation of the criteria of spouse selecting and marital burnout as forwarded variants in couples applicant for divorce and couples desirous of continuing the marital status, *Family counseling and psychotherapy*, 1 (3): 248-301 (Text in persian).



---

**Evaluation of Cognitive Emotion Regulation Strategies and  
Perfectionism in Traitor and Normal Women**

---

Mojtaba Dehghan\*, Jafar Hasani\*\* and Ali Rasooli \*\*\*

**Abstract**

The aim of this research was evaluation of cognitive emotion regulation strategies and perfectionism in traitor and normal women. In a causal-comparative design, 80 married women (40 traitor people and 40 normal people) with age range from 20 to 50 years were selected through available non-probability sampling and completed the short form of cognitive emotion regulation questionnaire and multidimensional perfectionism scale. Data were analyzed by using multivariate analysis of variance (MANOVA). Results showed that traitor women than normal women got higher scores in perfectionism (Self-Oriented, Other-Oriented and Socially Prescribed) and cognitive emotion regulation strategies of catastrophizing and other-blame, but they showed significantly lower mean in positive refocusing strategies. In the other cognitive emotion regulation strategies there was no significant difference between two groups. Based on the results of this study can be said that frequent use of maladaptive cognitive emotion regulation strategies and low use of adaptive cognitive emotion regulation strategies can actuate the extreme perfectionism people towards marriage infidelity.

**Keywords**

*Cognitive Emotion Regulation, Perfectionism, Traitor.*

---

\* Ph.D. student, Health Psychology, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi university, Tehran, Iran.

\*\* Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran.

\*\*\* Ph.D. student, Health Psychology, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi university, Tehran, Iran.

received: 2016-11-10

accepted :2018-01-17

DOI: 10.22051/psy.2018.12603.1284